

تعدد زوجات و شرایط آن در لایحه حمایت خانواده

Polygamy and Its Legislative Conditions in the Family Draft Bill

L. Rostami Tabrizi, Ph.D. ✉

دکتر لمیاء رستمی تبریزی ✉

استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

Family, as one of the most fundamental institutions may play a significant role in the well-being of society; strengthening its pillars would result in the promotion of moral values in society, and weakening its grounds would lead the society to moral deterioration. The parliament by making specific laws, and its executive body, the judiciary, are responsible for the protection of family, especially for its more vulnerable members: women and children. The current paper is intended to analyse the latest governmental proposal for the legislation of polygamy and setting up its conditions by which the matter may be exercised by men.

چکیده:

اسلام دین جاودانه و احکام منصوص در قرآن تغییرناپذیر بوده، منحصر به زمان خاصی نشده، بلکه در همه زمان‌ها می‌تواند هدایت‌گر و راهبر امور فردی و اجتماعی افراد بشر قرار گیرد. از جهت دیگر تغییر و تحول در جوامع در بستر زمان، که پدیده‌ای طبیعی و واقعی است، مسائل و اموری را مطرح می‌سازد که مستلزم انطباق آن‌ها با احکام اسلامی می‌باشد. اسلام به جهت ویژگی جاودانگی باید بتواند در هر مقطعی از زمان پاسخگوی نیازهای افراد جامعه بوده و با اجتهاد در موضوعات مستحدثه و جاری، احکام روز را یافته و فقه پویا را جامه عمل بپوشاند.

یکی از موضوعات مطرح شده در شرع، مسئله تعدد زوجات است که از موضوعات تحت پوشش خانواده بوده و در لایحه حمایت خانواده که توسط قوه

✉Corresponding author: Faculty of Law, Shahid Beheshti University (G. C.)
Tel: +9821-22431911
Fax: +9821-29902766
Email: rostamilaw@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده حقوق
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۹۱۱ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۷۶۶
پست الکترونیکی: email: rostamilaw@yahoo.com

It has to be noted that the issue of polygamy is derived from the Sharia' law, and the legislation of polygamy, in its aims and objectives, must be compatible with that of Islamic law. However, changes in the public perspectives on the issue may influence such legislation by making it more flexible and in accordance with social and cultural ideas of the present society.

Keywords: Woman, Wife, Polygamy, Justice, Law.

قضائیه پیشنهاد و به تأیید هیأت وزیران رسیده، نیز مورد بحث قرار گرفته است.

در خصوص موضوع مذکور احکامی در قرآن کریم و در برخی احادیث و مستندات روایی آمده است. در ضمن برخی مقررات و نظام‌های اعلامی در لایحه از باب مصالح اجتماعی امکان طرح دارد که در صورت مغایر نبودن با مبانی فقهی می‌تواند مورد وضع شارع حکومتی قرار گیرد. مقاله حاضر در نظر دارد تطابق و تناسب مواد پیشنهادی لایحه با مقتضیات روز و با احکام اسلامی را در موضوع تعدد ازدواج به مورد بحث بگذارد. برای نیل به این هدف درصدد است، ابتدا با استناد به آیات قرآنی، احادیث و روایات، و با استناد به نظر فقهای مشهور و سایر صاحب‌نظران اسلامی، موضع و دیدگاه شرع را در این خصوص بیابد. سپس با طرح مصالحی در جهت نظم‌بخشی به موضوع تعدد زوجات در جامعه فعلی ما، و با توجه به ویژگی‌های خاص آن، مواد لایحه را، با توجه به ابعاد مختلف آن مورد مذاقه و بررسی قرار دهد. بررسی مشروعیت اصل تعدد زوجات، شرایط فردی و اجتماعی تجویز آن و فلسفه تاریخی و تشریحی موضوع، می‌تواند ما را در تشریح قانونی پدیده مذکور بر اساس مصالح اجتماعی هدایت و راهنمایی کند.

کلیدواژه‌ها: زن، زوج، تعدد زوجات، عدالت، قانون

مقدمه

خانواده به دلیل اهمیت بنیادین آن، در سلامت، تداوم، توسعه و پیشرفت جامعه نقش به‌سزایی دارد. بنابراین تقویت مبانی و استحکام‌بخشی بنیان خانواده، از یک طرف، موجب اعتلا و پیشبرد جامعه شده، از طرف دیگر، تضعیف نهاد خانواده و ارتباطات خانوادگی و عدم وجود قوانین استحکام‌بخش و حمایت‌گر، زوال و گسستگی اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. در این میان واضح و بدیهی است که زنان و کودکان به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر مستلزم وضع قوانین حمایتی ویژه می‌باشند. در حال حاضر نیاز به قانون مدون با ویژگی‌های مناسب در جهت تحکیم مبانی خانواده و

حمایت از اعضاء آن کاملاً محسوس بوده و خلأ موجود در قوانین فعلی منجر به بروز مشکلات موجود در مراجع قضائی در رسیدگی به موضوعات مربوط به خانواده شده است. خصوصاً این که با وضع و تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عام، بنا به نظر برخی قضات مراجع قضائی خانواده، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحی ۱۳۵۳ منسوخ شده و قانون کامل و جامعی در خصوص امور خانواده که مبین آیین دادرسی رسیدگی به دعاوی خانوادگی باشد، وجود ندارد. به همین مناسبت دادگاه‌ها بعد از انقلاب با استفاده از قوانین پراکنده در مورد طلاق، حضانت، مواد اصلاح شده قانون مدنی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به حل و فصل دعاوی در مراجع مربوطه می‌پرداختند. مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی در جامعه مزید بر علت خلأ قانونی شده موجبات انکارناپذیر افزایش چشمگیر طلاق و از هم پاشیدگی خانواده‌ها را فراهم ساخته است. این وضعیت لزوم توجه و تدوین قوانین خاص خانوادگی را حساسیت بیشتری می‌بخشد. قوانین پیشنهادی حتی‌الامکان باید مبتنی بر کارشناسی و منطبق با واقعیات روز باشند تا بتوانند قابلیت حل مشکلات و ضمانت اجرایی پیدا نمایند.

در خصوص تدوین قوانین جدید نسبت به موضوعاتی مانند تعدد زوجات، به صورت دائم یا موقت، به دلیل حساسیت‌زایی و جنجال‌پذیری، برخی افراد معتقدند باید از طرح چنین موضوعاتی در جامعه اجتناب نموده و تصور بر این است که چنین مسائلی را باید به حال خود رها نموده و نادیده انگاشت. آن‌ها عقیده دارند که طرح و صورت قانونی دادن به این مسئله اهمیت آن را برجسته نموده و به شیوع این پدیده کمک می‌کند. در حالی که توجه به آمار روزافزون پرونده‌های مطروحه طلاق از سوی زنان، به دلیل ازدواج مجدد زوج و ترک زندگی خانوادگی، لزوم توجه فوری و ضروری مراجع قانون‌گذاری در ایجاد قانون را آشکارتر می‌سازد. اعتقاد مؤلف بر این است که وقایع اجتماعی و هر آن‌چه در جامعه اتفاق می‌افتد و آثار و تبعات قانونی که بر آن متصور است باید مورد رسیدگی، تعیین تکلیف و حکم قانونی قرار گرفته و عدم توجه و بی‌اعتنایی نسبت به مشکلات حقوقی - اجتماعی نه تنها منجر به حل آن‌ها نمی‌شود، بلکه روز به روز بر مشکلات و آثار و تبعات آن می‌افزاید. به عنوان مثال، عدم توجه قانون‌گذار به ثبت قانونی ازدواج موقت، بسیاری از مشکلات مربوط به نسب و ارث فرزندان ناشی از این نوع ازدواج‌ها را به دنبال دارد که عمده‌تاً موجب بروز معضلات قانونی، اقتصادی و روحی - روانی برای زنانی که رها شده‌اند، می‌شود. قانون‌گذار مکلف است بنابر مصالح جامعه و خصوصاً در حمایت از زنان، که در معرض آسیب بیشتری نسبت به مردان قرار دارند، به وضع قوانینی بپردازد که علاوه بر انطباق آن با واقعیات جامعه، از ورود آسیب و بروز مشکلات اجتماعی برای خانواده‌ها و زنان و فرزندان این نوع ازدواج‌ها پیشگیری نماید.

در راستای پاسخگویی به این نیاز قانونی، لایحه حمایت خانواده توسط قوه قضائیه پیشنهاد و در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۳ در هیأت وزیران به تصویب رسید. لایحه مذکور نسبت به قوانین سابق، در خصوص

خانواده، دارای برخی امتیازات و برخی نواقص است. گذشته از موارد مثبت، طبیعی است که موارد نقص، مورد انتقاد قرار گرفته و مورد ارزیابی و منشأ بسیاری از نقطه‌نظرات در خصوص بخش‌های مختلف لایحه شده است. یکی از جنجال‌برانگیزترین قسمت‌های لایحه مربوط به موضوع تعدد زوجات برای مردان و امکان صدور مجوز برای آنان با مراجعه به دادگاه می‌باشد. این مقاله در نظر دارد در ابتدا به بررسی مبانی فقهی مشروعیت اصل تعدد زوجات پرداخته و شرایط آن را با مراجعه به آیات و روایات شرعی مورد بررسی قرار دهد. سپس شرایط مندرج در لایحه حمایت خانواده پیشنهادی را مورد مذاقه و تحقیق قرار داده و با تطبیق ماده ۲۳ لایحه پیشنهادی دولت با ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده سابق به ارائه راهکار و پیشنهاد در این زمینه بپردازد.

بررسی فقهی تعدد زوجات

کتاب مختلف فقهی در خصوص موضوع تعدد زوجات نظراتی ارائه داده، به دلایلی قرآنی و روایی استناد نموده‌اند که ذیلاً به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود:

مستندات قرآنی: در مستندسازی تعدد زوجات بر مبنای آیات قرآنی فقها عمدتاً به دو آیه تمسک می‌جویند که ذیلاً به‌طور اختصار اشاره می‌شود:

- *و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعملوا فواحده او ما ملکتم ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا (۳/نساء):* اگر شما را بیم آن است که در کار یتیمان عدالت نوزید، از زنانی که ازدواج با آن‌ها برای شما مجاز است، دو و سه و چهارتا بگیرید. پس اگر بیم آن را دارید که بین آن‌ها عدالت را رعایت نکنید به یک زن و یا به ملک یمین (کنیزان) اکتفا نمایید، که این کار (ترک تعدد زوجات) به پرهیز از جور و ستم و کجروی نزدیک‌تر است.

- *ولن تستطیعوا ان تعملوا بین النساء و لو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه و ان تصلحوا و تقفوا فان الله کان غفوراً رحیم (۱۲۹/نساء):* هرگز نتوانید در میان زنان به عدالت رفتار کنید هر چند بر این امر حریص باشید. لیکن یکباره به سوی یکی میل نکنید تا دیگری را سرگشته کرده باشید. اگر بین شما اصلاح شود و پرهیزگاری کنید خداوند آمرزنده و مهربان است.

آیات دیگری نیز وجود دارد که به‌طور غیرمستقیم دلالت بر مشروعیت چندهمسری دارد، مانند آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب که زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داده است، و بدین ترتیب تأیید چندزنی رسول خدا مورد استناد فقها قرار گرفته است.

مستندات روایی: در کتب فقهی روایات متعددی در خصوص تعدد زوجات وجود دارد. شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی (۱۱۰۴ ق) در کتاب «وسائل الشیعه» در «ابواب ما یحرم باستیفاء العدد» (ص ۳۹۸-۴۱۰)، روایات متعددی در ارتباط با تعدد زوجات بیان می‌کند. برخی از این روایات امر بر رها کردن بیش از چهار زن عقدی دائمه می‌کنند، در حالی که برخی دیگر بر حرمت و مانعیت

نکاح بیش از چهار زن دائم دلالت می‌کنند. در ضمن روایاتی نیز وجود دارند که علت امکان یا جواز تعدد زوجات در مردان و هم‌چنین علت حرمت چندشوهری زنان را بیان می‌کنند. نقل شده است که امام رضا (ع) در نامه‌ای به محمدبن‌سنان تجویز چهار همسری را برای مردان به علت منسوب بودن همه فرزندان به وی و تحریم چندشوهری برای زنان را به علت عدم امکان انتساب فرزندان به شوهر معین و در نتیجه فساد در ارث و نسب بیان فرمود (حر عاملی، ب ۱، ح ۲). علاءالدین الهندی (۱۴۱۳ ق) در «کنز العمال» (ج ۱۶، ص ۳۲۹-۳۳۱) چند زنی را مورد تأیید قرار داده، شیخ-محمدحسن النجفی (م ۱۲۶۶ ق) در «جواهر الکلام» در باب «استیفاء العدد»، و سید محسن الطباطبائی الحکیم (۱۴۰۶ ق) در «مستسک العروه الوثقی»، اصل تعدد زوجات را از ضروریات دین دانسته و عدد آن را برای ازدواج دائم چهار همسر بیان نموده‌اند. شیخ مفید (م ۴۶۰ ق) در «تهذیب الاحکام»، محمد کاظم طباطبائی یزدی (۱۴۱۲ ق) در «العروه الوثقی»، شیخ صدوق (۱۴۰۱ ق) در «من لا یحضره الفقیه»، علامه طباطبائی در «تفسیر المیزان» از جمله کسانی هستند که در باب نکاح و احکام آن سخن رانده و اصل تعدد زوجات را مورد تأیید قرار داده‌اند.

نظر فقها: نظر فقها عمدتاً بر سه دسته قابل تقسیم می‌باشد:

- مشهور فقهای امامیه با استناد به آیه سوم سوره نساء اصل تعدد زوجات را امری مسلم دانسته و تنها به احکام مربوط به چندهمسری پرداخته‌اند. از نظر مشهور فقها هر مردی که قدرت بر انفاق داشته و بتواند عدالت مادی را بین همسران برقرار کند، حق دارد به ازدواج دائم تا چهار زن اقدام نماید. تشخیص و احراز شرایط مذکور بر مکلف نهاده شده است.

- برخی دیگر از فقها اگرچه اصل جواز تعدد زوجات را پذیرفته‌اند، لکن معتقدند که استفاده از آن در جامعه باید به حداقل رسانده شده و فقط در موارد ضرورت تجویز شود. این گروه برای تعدد زوجات شرایطی قائل شده‌اند، مانند شرط عدالت و عدم توالی فاسد برای جامعه (باجوری، ۱۴۰۶ ق). شیخ محمد عبده (م ۱۳۲۳) و پیروانش نیز به این نظر قائل هستند. این قیود و تحدیدات در قانون عراق و مغرب اعمال شده است (همان). محمد محمد المدنی نیز اصل جواز تعدد زوجات را پذیرفته ولی با توجه به سابقه تاریخی و قرآنی تشریح تعدد زوجات آن را محدود به دو مورد می‌داند: ازدواج مجد موجب جور و ستم نشده و برای آن غرض عقلایی موجود باشد، مانند نازائی زن اول، یائسه شدن زن، احتیاج مرد یا جامعه به کثرت نفوس، فزونی زنان آماده ازدواج بر مردان و یا دوران جنگ.

این دسته از فقها هم چنین معتقدند که برای احراز تحقق شروط مذکور حاکم می‌تواند و حق دارد بر رعایت این شروط نظارت کند، بنابراین تعدد زوجات را مشروط به کنترل قضائی دانسته‌اند.

دستگاه قضائی باید این دو شرط را احراز نموده و اجازه ازدواج مجدد صادر کند. قانون عراق و سوریه از این نظریه تبعیت کرده است (محمد الجمل، سال انتشار ندارد).

- برخی فقها تعدد زوجات را رد نموده و معتقدند که اسلام با تحدید چندزنی به چهار زنی درصدد بوده تا چنین رسمی را در جامعه عربی آن روز که بی حد و حصر بوده براندازد. بر مبنای این نظر، آیه سوم سوره نساء چهار همسری را مشروط به رعایت عدالت نموده، و به دنبال آن آیه ۱۲۹ با تأکید بر این که امکان تحقق عدالت بین همسران وجود ندارد، تعدد زوجات را نفی و تک‌همسری را ابقا می‌کند (وهبه الزحیلی، ۱۴۰۹ ق، غفاری، سال انتشار ندارد).

بررسی ادله شرعی تعدد زوجات

پیش از بررسی مستندات فقهی لازم است به پیشینه تاریخی تعدد زوجات اشاره‌ای مختصر شود. پدیده چندزنی پیش از اسلام و در سایر جوامع در بین اقوام و ادیان مختلف وجود داشته است. چندهمسری در دین یهود و در مسیحیت شایع بوده و تنها تلمود از آن منع کرد (ابراهیم محمد حسن الجمل، سال انتشار ندارد). در ضمن شکل‌های دیگر زناشویی مانند چندشوهری و ازدواج اشتراکی نیز در برخی اقوام بدوی مانند تبت و تودا وجود داشته است (ویل دورانت، ۱۴۶۷ ش). اسلام با تأیید اصل پدیده، از یک طرف درصدد بوده تا جلوی فساد و روابط نامشروع را بگیرد، از طرف دیگر با تحدید این امر به چهار زن خواسته سد و مانعی بر خوشگذرانی مردان ایجاد نماید، بنابراین مردانی که به اسلام می‌گرویدند را به ترک مازاد بر چهار زن امر و مکلف نمود.

بنابر آیات قرآنی اصل تعدد زوجات با ذکر شرایط و دستوراتی در جهت رعایت عدالت بین زنان، به‌طور صریح تشریح و تجویز شده است. اگرچه در خصوص فلسفه جواز تعدد زوجات با استناد به آیه سوم سوره نساء، به آیه پیش از آن و به فلسفه تاریخی این حکم توجه نموده و این‌گونه عنوان می‌کنند که آیه دوم در خصوص خانواده‌های یتیم و اوصیای آن‌ها می‌باشد که رسیدگی به آن‌ها مستلزم رفت و آمد و نشست و برخاست با آن‌ها بود و در این خانواده‌ها دختران آماده ازدواج و یا بیوه‌هایی بودند که نسبت به آن‌ها رغبت وجود داشت، و این امر برای سرپرستان آن‌ها مشکل ایجاد می‌کرد، لذا بدین‌وسیله اجازه ازدواج با زنان آن‌ها داده شد. از طرف دیگر در دوران جاهلیت چون یتیمان مورد استضعاف قرار می‌گرفتند و از اموال و ارث محروم شده و زنان جزء مایملک متوفی به ارث می‌رسیدند، اسلام با صدور چنین حکمی با این رویه جاهلی به مبارزه پرداخت و تعدد زوجات در این موارد را با این غرض عقلایی تجویز نمود (رضایی، ۱۳۵۷). از آن‌جا که از مزایای دین اسلام توجه به حقوق یتیمان است خداوند جهت جلوگیری از تضییع حقوق مالی و ارث آن‌ها و پیشگیری از ارتکاب فعل حرام با آن‌ها (زنا) به رفتار عدالت‌آمیز با آن‌ها سفارش نموده و آیه مذکور را نازل فرموده است.

در تفسیر آیه سوم سوره نساء، مهدی مهریزی (۱۳۸۶) نیز به شأن نزول آیه استناد نموده و به موارد سرپرستی یتیمان که مستلزم تردد و ارتباط با آنهاست اشاره نموده و معتقد است این آیه ناظر به این‌گونه موارد خاص با شرط رعایت عدالت بوده، آیه در مقام بیان احکام تعدد زوجات نبوده و اطلاق و عمومیت ندارد.

در کتب فقهی کمتر به بحث جواز یا عدم جواز تعدد زوجات پرداخته‌اند بلکه آن را امری مسلم فرض نموده و بیشتر پیرامون احکام و شرایط، و تحدید عددی آن به چهار زن، بحث و گفتگو نموده‌اند. مهریزی (همان) در مورد روایات موجود نیز معتقد است که روایات درصدد بیان اصل جواز یا عدم جواز تعدد زوجات نبوده تا بتوان از آنها جواز چندهمسری را مطلقاً اثبات نمود، بلکه این روایات صرفاً احکام چندزنی را بیان می‌کنند. در خصوص سیره پیامبر و ائمه، وی به مسائل سیاسی و دوران گذر و انتقال از فرهنگ جاهلی به فرهنگ جدید و شرایط خاص صدر اسلام توجه نموده و نتیجه می‌گیرد که اصل در اسلام بر تک‌همسری بوده و چندهمسری در زمان حاضر قابل استناد نمی‌باشد.

برخی دیگر با استناد به ادله شرعی درصدد بوده‌اند که اعلام نمایند، در اسلام اصل بر تک‌همسری استوار است. هم‌چنین با استناد به آیاتی که سکونت و مودت در کنار همسر را متذکر می‌شود (اعراف، ۱۸۹:۷)، و آیاتی که از پیامبرانی مانند آدم، موسی، نوح، لوط، و همسرشان یاد کرده، اصل تک‌همسری را نتیجه می‌گیرند. به علاوه، با استناد به این واقعیات که رسول خدا (ص) تا حیات خدیجه همسر دیگری اختیار نکرد و امیر مؤمنان (ع) تا حیات فاطمه (س) همسر دیگری بر نگزید را مستند بر تک‌همسری گرفته‌اند. شهید مطهری (۱۳۵۷) نیز تک‌همسری را طبیعی‌ترین شکل زناشویی تلقی نموده است.

علامه طباطبائی در کتاب «تعدد زوجات و مقام زن در اسلام»، تشریح و تجویز تعدد زوجات را احیای حق زنان تلقی نموده و عنوان می‌کند، با توجه به این نکته که شکار، جنگ، و سایر حوادث بیشتر برای مردان است، چنان‌چه تعدد زوجات تحریم شود، حق نکاح و بهره‌مندی از شوهر که حق طبیعی زنان است از آنان سلب خواهد شد. وی در توضیح بیشتر مطلب، وقوع تعدد زوجات در جوامع را این‌گونه تحلیل می‌کند که در صورتی که بنا به هر دلیلی تعداد زنان آماده ازدواج بیشتر از مردان باشد، تعدد زوجات به نفع زنان خواهد بود، و در صورتی که تعداد زنان بر مردان افزون نباشد، زن مجرد یا بیوه‌ای باقی نمی‌ماند تا با مردان متأهل ازدواج نماید. این نظریه توسط سایر مطالعات مانند شهید مطهری (۱۳۵۷) و علاسوند (۱۳۸۵) نیز مورد تأیید و پذیرش قرار گرفته است.

از لحاظ اجتماعی، شیخ محمد عبده (۱۴۰۶ ق) در توصیف تعدد زوجات به پیامدهای فاسد و شر اجتماعی و خانوادگی آن، از قبیل ایجاد حسادت، عناد و دشمنی بین دو خانواده اشاره نموده و در بیان حکم تعدد زوجات در اسلام اذعان می‌دارد که حاکم شرع می‌تواند نسبت به اموری که مباح است و فرد شخصاً می‌تواند نسبت به انجام یا ترک آنها تصمیم بگیرد، بنا به مصالح اجتماعی تصرف

نموده و با اتخاذ یک تصمیم اجرایی عمومی مردم را بدان حکم مباح امر دهد یا باز دارد. این اقدام حاکم اسلامی حکم تجویز را تغییر نداده و از این جهت که یک حکم تجویزی بوده می‌تواند تصمیم بر ترک آن بگیرد.

در مجموع با استفاده از ادله شرعی آیات، روایات و سیره پیامبران و ائمه معصومین می‌توان موضوعات ذیل را استنباط کرد:

- اصل تعدد زوجات برای مردان تجویز و مباح شده است. این بدان معنی است که مردان در صورت تحقق شرایط، اختیار دارند از این مجوز استفاده نمایند. داشتن اختیار به معنی آن نیست که همه مردان متمول که برای آنان فرض عدالت می‌رود بدین کار اقدام خواهد نمود. بسیاری از مردان واجد شرایط از این اختیار استفاده ننموده و به تک‌همسری بسنده می‌کنند. این بدان معنی نیست که اصل بر تک‌همسری است و چندهمسری فرع می‌باشد، بلکه بدان معنی است که در جامعه تک‌همسری و چندهمسری وجود دارد و هر یک معلول شرایط خاص فردی و اجتماعی می‌باشد. به‌علاوه، این واقعیت که اکثریت مردان در جامعه یک همسر دارند دلالت بر ویژگی فطری آنان نداشته، همان‌طور که تمایل مردان به داشتن بیش از یک همسر دلالت بر فطری بودن چندهمسری برای مردان ندارد. چنین ادعاهایی مستلزم انجام مطالعات و تحقیقات خاص بوده و وجود نمونه‌های تک‌همسری و چندهمسری در جامعه می‌تواند معلول آموزه‌های فرهنگی - اجتماعی باشد تا این که دلیل بر فطری بودن قرار گیرد.

- شرایط لازم برای جواز تعدد زوجات تمکن مالی بر تأمین زنان و رعایت عدالت مادی بین آنان است. این بدان معنی است که در صورت عدم وجود هر یک از شرایط مذکور، تعدد زوجات بر مردان جایز نبوده و در اسلام اجازه داده نشده است.

شرایط تعدد زوجات

شرایط تعدد زوجات بر اساس آیات قرآنی و روایات همان قدرت بر انفاق و رعایت عدالت مادی بین همسران است. بیان علت تجویز چندهمسری در آیات و روایات، جز با مراجعه به شرایط اجتماعی و تاریخی عرب جاهلیت آن زمان، به طور صریح بیان نشده، و فقهای اسلامی نیز در کتب فقهی چنین بحثی را مطرح ننموده‌اند. به نظر می‌رسد از نظر فقه امامیه با تحقق دو شرط مذکور هر مردی که اراده‌اش بر تعدد زوجات قرار گیرد بدون هیچ دلیل دیگری و تنها مبتنی بر خواش و میل خود می‌تواند چنین اقدامی بنماید (نجفی، م ۱۲۶۶). در تبیین حکم جواز برخی نویسندگان معاصر با استناد به این که اسلام با تحدید تعدد زوجات خواسته رسم چندهمسری را به تدریج از میان بردارد، معتقدند که تعدد زوجات فقط با تحقق شرایطی مجاز می‌باشد، مانند: نازا بودن زن، یائسه شدن، بیماری زن به‌طوری که قادر به تمکین نباشد، برودت جنسی زن، فزونی زنان بر مردان در

زمان جنگ، یا عدم تناسب موالید دختر و پسر و... (وهبه الزحیلی، ۱۴۰۹ ق؛ باجوری، ۱۴۰۶ ق). آنچه در آیات قرآنی مسلم است این که مرد در تعدد زوجات، مکلف به رعایت عدالت در بین زنان است. در این که مفهوم عدالت چیست و آیا دو آیه ۳ و ۱۲۹ سوره نساء چگونه در مفهوم عدالت با یکدیگر قابل جمع می‌باشند، نظرانی ارائه شده که اختصاراً بدان پرداخته می‌شود:

در خصوص معنای عدالت شیخ کلینی (م ۳۲۹) از محمد بن حسن روایت کرده که وی درباره معنای عدالت در آیات سوره نساء سوال نموده که چرا خداوند که احکم الحاکمین است در یک جا فرموده اگر می‌توانید عدالت کنید پس تا چهار زن بگیرید و در آیه دیگر فرموده «... و لکن تستطیعوا ان تعلموا...» که نمی‌توانید عدالت کنید، و آیا این دو کلام با هم متناقض نیست؟ در توضیح و پاسخ به این امر حضرت امام صادق (ع) فرمود: در آیه اول منظور عدالت در نفقه است و مرد باید تساوی در نفقه را میان زن‌های خود ملحوظ دارد، پس اگر مردی وسعت مال داشته باشد می‌تواند بیشتر از یک تا چهار زن بگیرد. در آیه دوم خداوند مودت و محبت میان آن‌ها را قصد کرده که ممکن نیست مرد همه زن‌های خود را به یک اندازه و یکسان دوست بدارد (فیض کاشانی، م ۱۰۹۱).

علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان نیز چنین استنباطی را تأیید نموده، می‌فرماید: منظور از عدالت در آیه اول عدالت در امور مادی و ظاهری است و عدل در آیه دوم امور قلبی می‌باشد. چرا که حب قلبی در حیطة تسلط انسان نیست و خداوند در آنچه اختیار نداده، مواخذه نمی‌کند (ج ۵، ص ۱۶۴). وی در توصیف عدل می‌فرماید: عدل به معنای حد وسط بین افراط و تفریط است و رعایت و تشخیص حد وسط از امور صعب و بسیار دشوار است، مخصوصاً از این جهت که با دل‌ها ارتباط دارد. بدین جهت است که خداوند می‌فرماید، رعایت عدالت به معنای واقعی، یعنی این که مرد، زنان خود را به اندازه مساوی دوست بدارد، مقدور نمی‌باشد. بنابراین مرد، در اجرای عدالت، باید در ادای حق همسر منحرف نگشته و زن خود را بلا تکلیف و مانند زن بی‌شوهر نگذارد و این است که در عدالت بر مرد واجب است که در عمل و سلوک بین آنان مساوات و برابری را حفظ کند. اما مستحب عدالت این است که به همه آنان احسان و نیکی کند و از معاشرت با هیچ یک از آنان اظهار کراهت و بی‌میلی نکند، هم‌چنان که سیره و رفتار رسول خدا با همسرانش این طور بود (همان). خداوند در آخر آیه ۱۲۹ سوره نساء امر بر عدالت نموده و بیان می‌دارد که اگر بیم آن را دارید که بین آن‌ها عدالت را رعایت نکنید، به یک زن اکتفا نمایید، که این کار (ترک تعدد زوجات) به پرهیز از جور و ستم و کجروی نزدیک‌تر است.

بررسی حقوقی تعدد زوجات (ماده ۲۳ لایحه حمایت خانواده)

جهت بررسی حقوقی تعدد زوجات در لایحه لازم است به سوابق تقنینی موضوع پرداخته شود. طرح لوایح در خصوص خانواده در راستای تحقق و تثبیت اصول ۱۰ و ۲۱ قانون اساسی می‌باشد که

به منظور حفظ کیان و بقای خانواده و احیای حقوق مادی و معنوی زنان و حمایت از کودکان، پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی می‌باشد. قوانین مربوط به خانواده در ابعاد متفاوت بعد از انقلاب به تناسب نیازهای اجتماعی و در جهت رفع نواقص و مشکلات در اجرای قوانین در مراجع قضائی خانواده به‌طور موردی دچار اصلاحات و یا وضع جدید قانونی شده است. تصویب قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب سال ۱۳۷۱، الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در سال ۱۳۷۶ مبنی بر، به نرخ روز کردن مهریه نقدی زنان، الحاق تبصره به ماده ۳۳۶ قانون مدنی در سال ۱۳۸۵ مبنی بر اعطای حق به زن در مطالبه اجرت‌المثل سنوات کار در منزل، از موارد بارز این رویکرد قانونی در جهت ایجاد امنیت مالی برای زنان در جامعه می‌باشد. معیناً چنین مصوباتی در اکثر موارد به تثبیت و ارتقاء وضعیت زنان در مراجع خانواده منجر نشده و از آنجایی که طبق قانون، طلاق حق مرد می‌باشد، مردان عملاً در مواردی که مایل به ادامه زندگی با زنان نمی‌باشند با اقداماتی مانند ترک زندگی مشترک، ضرب و شتم و سوءرفتار یا ازدواج مجدد و رها کردن زن و فرزندان، عملاً زنان را به دادگاه‌های خانواده کشانده و با دادخواست طلاق یک‌طرفه به درخواست زن از این‌گونه قوانین سوءاستفاده نموده و زنان را جهت اخذ طلاق به علت عسر و حرج، عدم پرداخت نفقه و عدم امکان الزام زوج به پرداخت نفقه، به بذل همه حقوق مالی وادار نموده‌اند.

تعدد زوجات از گذشته در قوانین خانواده به نحو صریح یا ضمنی به رسمیت شناخته شده است. قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ در ماده ۶ مرد را مکلف نموده که هنگام ازدواج به زن و عاقد صریحاً اعلام کند که آیا زن دیگری دارد یا نه. طبق قانون مذکور برای عدم اعلام هیچ ضمانت اجرائی قائل نشده و داشتن زن قبلی نیز مانعی بر ازدواج دوم نبوده است. قانون مدنی نیز در موضوع تعدد زوجات اگرچه تصریحی ندارد، اما مفاد مواد^۱ ۱۰۴۸ و^۲ ۱۰۴۹ و بند ۲ ماده ۹۰۰ در خصوص میزان سهم‌الارث زوجه‌ها، نشانگر این است که مقنن تعدد زوجات را مورد پذیرش قرار داده است. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ به‌رغم تلاش زنان مبنی بر ممنوعیت تعدد زوجات، به این هدف نائل نشده و قانون مزبور در ماده ۱۴ زوج را مکلف کرد جهت ازدواج مجدد تنها رضایت دادگاه را جلب نماید و برای تخلف از قانون مذکور مجازات حبس قرار داد. در اصلاح قانون یاد شده در سال ۱۳۵۳ باز مقنن علی‌رغم اعتراضات زنان تعدد زوجات را مورد پیش‌بینی قرار داده و در مواد ۱۶ و ۱۷ امکان تعدد زوجات با کسب اجازه از دادگاه را تصویب نمود. طبق ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مردان حق ازدواج مجدد نداشته‌اند مگر در ۹ مورد مصرح که بر اساس آن مرد اجازه می‌یافت همسر دوم برگزیند. طبق ماده مذکور شروط مقرر برای ازدواج مجدد عبارتند از: رضایت همسر اول به ازدواج مجدد، عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن اول از شوهر، ابتلای زن به جنون و امراض صعب‌العلاج، محکومیت زن، ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر، ترک زندگی خانوادگی

از طرف زن، عقیم بودن زن و غایب یا مفقودالاثر شدن زن که شرایط اعتیاد و مفقودالاثر شدن و محکومیت و ابتلای به جنون.

طبق قانون مذکور اجازه ازدواج مجدد فقط با مراجعه به دادگاه و کسب مجوز با اثبات یکی از ۹ مورد احصائی در قانون، امکان ثبت و تحقق پیدا می‌نمود. مردانی که خواستار تجدید فرآش بودند با مراجعه به دادگاه باید یکی از موارد مذکور در ماده ۱۶ را به اثبات می‌رساندند. مردی که با داشتن همسر و بدون تحصیل اجازه دادگاه و همسر اولش مبادرت به ازدواج می‌کرد به حبس از ۶ ماه تا یکسال محکوم می‌شد و برای عاقد و سر دفتری که از این مسئله آگاه بودند نیز مجازات مقرر شده بود. دادگاه‌ها، در صورت درخواست مرد مبتنی بر ازدواج مجدد، با دعوت طرفین و استماع اظهارات آن‌ها موارد ادعایی را مورد بررسی قرار داده و با رعایت وضعیت حاکم بر زندگی اول از نظر رعایت حقوق مادی حکم مقتضی صادر می‌نمودند. بنابراین صدور مجوز در دادگاه‌ها بر مبنای قانون حمایت خانواده سابق، مشروط به اثبات مواردی مانند عدم تمکین، نازائی زن، یا ... بود و بدون دلیل قانونی امکان ثبت ازدواج مجدد وجود نداشت. رویه حاضر دادگاه‌ها نیز بر همین منوال بوده و ثبت ازدواج دائم را الزامی می‌داند و تخلف از این قاعده را در ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی قابل مجازات حبس تعزیری تا یکسال اعلام نموده است. دادگاه‌ها در موارد رجوع مرد به دادگاه مبنی بر درخواست ازدواج مجدد با جویا شدن علت درخواست زوج، دعوت از طرفین و استماع اظهارات زوجه، و در صورت احراز ملائت و تمکن مالی زوج نسبت به صدور مجوز ازدواج مجدد اقدام می‌نمایند.

ویژگی مهم دیگر ماده ۱۶ این بود که مفهوم ازدواج را عام فرض کرده و ماده شامل هر دو نوع ازدواج دائم و موقت می‌شد. بنابراین مردان جز در موارد احصا شده در قانون حق ازدواج مجدد، حتی ازدواج موقت را نیز نداشتند. وجود چنین حکمی بدان معنا بود که در صورتی که مردی اراده‌اش بر ازدواج مجدد قرار می‌گرفت مستلزم این بود که جهت احراز تحقق یکی از موارد احصائی در قانون باید به دادگاه خانواده مراجعه و استحقاق خود را بر ازدواج مجدد اثبات می‌نمود. با توجه به عدم اجرای قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در دادگاه‌های فعلی، و عدم طرح حکم ازدواج مجدد در قانون مدنی، و با توجه به وقوع چنین مواردی در جامعه فعلی و شیوع روزافزون خصوصاً ازدواج موقت در جامعه (که آمار آن به دلیل عدم ثبت قانونی پنهان و نامعلوم می‌باشد)، طرح چنین موضوعی در قالب لایحه خانواده ضرورت داشت.

در راستای رفع نواقص و حل برخی مشکلات مراجعین به دادگاه خانواده، قوه قضائیه اقدام به پیشنهاد لایحه حمایت خانواده نموده است. از زمان طرح و تقدیم لایحه به مجلس، ماده ۲۳ آن مورد نقد و بررسی بسیاری از حقوقدانان، نهادهای متولی امور زنان و فعالان جامعه قرار گرفته است. علی‌رغم انعکاس گسترده رسانه‌ای نسبت به صدور مجوز تعدد زوجات توسط مراجع قضائی، که موضوع این ماده لایحه است، بسیاری از مطالب مطروحه در رسانه‌ها با مبانی فقهی، حقوقی و همچنین

وقایع اجتماعی منطبق نبوده و اکثراً مبتنی بر استدلال، اصول منطقی، حقوقی و تحقیقی نیز نبوده، بلکه احساسات جریحه‌دار شده زنان مبنای این مباحث بوده است. لایحه حمایت خانواده برای اخذ اجازه از دادگاه برای ازدواج بعدی تنها تمکن مالی را شرط دانسته و در صورت تصویب، اجازه همسر اول را به‌طور رسمی از قانون حذف نموده است.

ماده ۲۳ لایحه حمایت خانواده اذعان می‌دارد که: «اختیار همسر دائم بعدی منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانایی مالی مرد و تعهد اجرای عدالت بین همسران می‌باشد». همان‌طور که ملاحظه می‌شود ماده مذکور نسبت به ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده سابق حق ازدواج مجدد مردان را تسهیل نموده و مردان متقاضی ازدواج مجدد جز اثبات توانایی مالی ملزم به ارائه هیچ‌گونه دلیل دیگر برای این امر نمی‌باشند. تعهد به اجرای عدالت نیز هیچ‌گونه ضمانت اجرای قانونی نداشته و معلوم نیست زن قبلی و یا بعدی در صورت ادعای مبنی بر عدم رعایت عدالت به چه مرجعی باید مراجعه نماید و یا در صورت اثبات موضوع چه دستاورد قانونی بدست خواهد آورد. در ضمن به نظر می‌رسد که بار اثبات امر عدم رعایت عدالت توسط زوج بر عهده زن می‌باشد که خود بر ایجاد مشکل و تضییع حقوق زنان می‌افزاید. با توجه به این‌که زن در اثبات عدم دریافت حقوق مالی توسط زوج تنها به ابزار عسر و حرج می‌تواند استناد نماید، راه دیگری برای احقاق حقه شرعی خود نخواهد داشت، و نهایتاً با اثبات عسر و حرج می‌تواند دادخواست طلاق داده و انحلال و فروپاشی زندگی مشترک را بپذیرد. چنین تقنینی تنها به تورم پرونده‌های مطروحه در دادگاه‌های خانواده منجر شده و این با سیاست قضازدایی و هم‌چنین تحکیم مبانی خانواده موردنظر قانون اساسی مغایر می‌باشد.

ماده ۲۳ لایحه پیشنهادی حاضر نه تنها شروط مذکور در ماده ۱۶ سابق را حذف نموده بلکه درخواست ازدواج مجدد را منوط به احراز توانایی مالی و تعهد بر اجرای عدالت بین همسران نموده است که به‌طور واضحی امکان ازدواج مجدد را نسبت به قانون سابق تسهیل نموده است. در این‌جا به بررسی دو شرط مذکور پرداخته می‌شود:

- شرط ملائت مالی: احراز توانایی مالی مرد بر تأمین دو یا چند همسر توسط دادگاه مستلزم آن است که اوضاع و احوال حاکم بر زندگی همسر فعلی و تأمین نفقه وی بر مبنای شئونات زوجه و عرف جامعه احراز گردد. در مواردی ممکن است مردان با تظاهر به ملائت در برابر دادگاه و استفاده از شیوه‌های غیرقانونی که دادگاه را به دروغ به ملائت مرد رهنمون سازد، بتوانند احکامی از دادگاه دریافت نمایند که مبتنی بر واقعیات نباشد. به‌علاوه در حال حاضر موضوع ازدواج اول برای بسیاری از جوانان به علت عدم توانایی مالی متعذر می‌باشد، و به نظر می‌رسد که امکان ازدواج مجدد تنها برای مردان سالمندتر که متأهل بوده و با گذشت زمان تمکن مالی احراز نموده‌اند، بیشتر موافق باشد. بنابراین دخترانی که به دلیل عدم امکان ازدواج به جهت عدم تمکن مالی پسران مجبور به ازدواج با مردان متأهل شده و به عنوان زن دوم یا سوم یا چهارم وارد زندگی خانوادگی دیگر زنان

شده‌اند، طبیعتاً چنین واقعه‌ای به نفع زنان نبوده و موجبات آرامش و امنیت مالی و عاطفی را فراهم نخواهد آورد. در عین حال، چنین اقدامی مشکل پسرانی را که به هر دلیل امکان ازدواج اول را هم پیدا نمی‌کنند حل نخواهد کرد و به تدریج با اجرای چنین قانونی جامعه‌ای با مردان متمول چندزنه و پسران بدون تمکن مالی مجرد مواجه خواهیم شد. طبعاً چنین تبعاتی موردنظر قانون‌گذار نبوده و با ویژگی‌های یک جامعه سالم سازگاری ندارد.

- شرط تعهد بر اجرای عدالت بین همسران: همان‌طور که قبلاً ذکر شد، منظور از عدالت در ماده پیشنهادی، نه عدالت واقعی و درونی است که کتب فقهی همه اذعان دارند که امکان برخورداری از عدالت باطنی، به معنی داشتن عشق و علاقه و توجه قلبی یکسان به همسران امکان‌پذیر نبوده و مورد درخواست قانون‌گذار نیز واقع نشده، و امکان احراز آن توسط مراجع قضائی نیز ممکن نمی‌باشد. عدالت موردنظر، عدالت مادی و ظاهری است بدین معنی که مرد متعهد شود از لحاظ تمکین و صرف وقت با زنان و تأمین نفقه و امکانات مادی به‌طور یکسان و برابر با زنان خویش رفتار نماید.

در این‌که چنین تعهدی چه ضمانت اجرایی دارد، و در صورت عدم اجرای عدالت، زن چه حقی پیدا نموده و یا به چه مرجع و دستگاهی باید مراجعه نماید و اقدامات قانونی مرجع مربوطه چه خواهد بود، مورد اعلام و تعیین پیشنهاددهندگان لایحه قرار نگرفته است. تنها اثر و راهکار عملی در مقابل عدم اجرای چنین تعهدی از جانب شوهر توسل زن به درخواست طلاق عسر و حرجی است که مستلزم گذشتن زن از تمام حقوق مالی و مطالبات گذشته می‌باشد (خسروشاهی، معاون مجتمع قضائی خانواده یک تهران) که از موجبات تورم پرونده‌ها در دادگاه‌ها، ایجاد زحمت و ضایعات روحی برای زن و از هم پاشیدگی خانوادگی می‌باشد.

تبصره ماده ۲۳ لایحه اذعان می‌دارد که در صورت تعدد ازدواج مجدد مرد، چنان‌چه مهریه حال باشد و همسر اول آن را مطالبه نماید، اجازه ثبت ازدواج منوط به پرداخت مهریه زن اول است. اگرچه ظاهراً به نظر می‌رسد که چنین قیدی تا حدودی می‌تواند به احراز ملاتت مالی مرد کمک نماید و مسلماً مردی که توان مالی بر پرداخت مهریه زن اول را نداشته باشد، نباید بتواند از دادگاه برای ازدواج دوم مجوز دریافت نماید. اما با توجه به رویه فعلی دادگاه‌ها که پرداخت مهریه زن را با درخواست اعسار مرد تقسیط می‌نمایند، مغایر نمی‌باشد. لایحه باید تصریح نماید که آیا منظور تبصره، پرداخت واقعی تمام و کمال مهریه است قبل از صدور مجوز، یا این‌که چنین تبصره‌ای نیز مشمول قانون اعسار شده و صرف تقسیط در دادگاه و احراز توانایی مرد در تأمین نفقه زنان برای تجویز ازدواج مجدد در مراجع قضائی خانواده کفایت می‌کند. چرا که در مورد اول منظور قانون‌گذار تأمین نشده و زن حقوق مالی خویش را استیفا نخواهد کرد. از آن گذشته، در مورد زنانی که مهریه ناچیزی داشته و یا به صرف شروع زندگی مبتنی بر صداقت و عشق، از خواستن مهریه قابل توجه امتناع کرده‌اند، در چنین مواردی متضرر شده و تصویب این قانون با شکل فعلی قطعاً منجر به بالا

رفتن میزان مهریه‌های درخواستی دختران در زمان ازدواج می‌شود تا از وقوع چنین حوادثی پیشگیری نمایند.

از دیگر موارد انتقادی نسبت به ماده این است که وضع شرایط سهل و آسان برای ازدواج مجدد، بسیاری از مردان خصوصاً متمول و ثروتمند جامعه را به چنین اقدامی ترغیب و تشویق می‌نماید. وضعیت فرهنگی - اجتماعی خانواده‌ها و خصوصاً زنان در جامعه ما، به ویژه در شهرهای بزرگ، به نحوی است که عموماً نسبت به چنین اقدامی از سوی همسرانشان واکنش‌های شدید نشان می‌دهند، که از لحاظ فرهنگی نشانگر عدم پذیرش ازدواج مجدد شوهران است. چنین زنانی در این موارد ممکن است یا تقاضای طلاق نموده و حاضر به ادامه زندگی با چنین مردانی نباشند که در این صورت زن با دادخواست طلاق و گذشتن از حقوق مالی خویش دچار تبعات مشکلات مالی شده و قطعاً آثار روحی - روانی چنین طلاق بر سلامت وی و جامعه و احیاناً فرزندان، خانواده را دچار آسیب جدی می‌کند. یا در مواردی ممکن است زن، علی‌رغم عدم رضایت نسبت به اقدام شوهر، نسبت به ازدواج مجدد به دلایل عدم تمکن مالی، حفظ حیثیت و شأن اجتماعی، حفظ منافع مالی فرزندان، و یا در معرض آسیب عنوان و برجسب مطلقه خوردن و سایر تبعات آن، حاضر به ادامه زندگی شود، اما قطعاً چنین خانواده‌ای از روابط سالم و حسن معاشرت برخوردار نخواهد بود.

ابعاد مثبت ماده: اگرچه اظهار نظرات نسبت به ماده مذکور در لایحه، عموماً انتقادی بوده و مبتنی بر مخالفت با مفاد این ماده می‌باشد، به نظر می‌رسد با اصلاحات و اضافات از ابعادی قابل دفاع باشد. در حال حاضر با عدم اجرای ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در دادگاه‌ها و مراجع قضائی خانواده تنها مورد لازم‌الاجرا مربوط به شروط ضمن عقدی است که در ظهر اسناد ازدواج مبتنی بر توافق طرفینی حاصل شده است. تدوین چنین قانونی و ایجاد تکلیف برای مرد بر مراجعه به دادگاه جهت اخذ مجوز ازدواج ممکن است بسیاری از مردان را از ازدواج مجدد منصرف نماید.

البته با سهل و آسان بودن ازدواج موقت و عدم اجبار به ثبت آن در لایحه پیشنهادی ممکن است متقاضیان ازدواج مجدد به سوی ازدواج موقت متمایل شده و مشکل خود را با توسل به راه‌های آسان‌تر قانونی حل نمایند. به علاوه با وجود مشکلات اجتماعی، اقتصادی در تأمین دو خانواده به‌طور همزمان، و مشکلات عاطفی - احساسی همراه با داشتن دو همسر که عموماً با عشق و علاقه بسیار نابرابر نسبت به زوجه بعدی است، عموماً مردان مایلند همسر اول را ترک و تجدید فراش نمایند تا این که هر دو همسر را با هم نگه دارند، یا اگر همسر اول را ترک نکنند فقط با تأمین مالی وی، و نه با تأمین احساسی وی به زندگی ادامه می‌دهند. بنابراین با عدم الزام و تکلیف مردان در اثبات شروط مندرج در ماده ۲۳ بسیاری از مردان به نحو دلخواه خود با زنان رفتار نموده و عملاً توجه خود را تنها به همسر دوم معطوف می‌دارند. اگرچه، مشکل زمان حاضر، تعدد زوجات دائم نبوده بلکه روابط

متعدد مردان با همسران موقت است که امنیت خانواده‌ها را مختل نموده است و برای حل چنین معضلی لایحه، راهکاری نیندیشیده است.

بنابراین با عنایت به وضعیت جامعه و شرایط تشریح امر ازدواج مجدد در دوران جامعه عرب که ناشی از شرایط جنگی و یا بنابر ضرورت حمایت از یتیمان بی‌سرپرست، و با تأکید اصول قانون اساسی مبنی بر پاسداری از قداست خانواده و تلاش در جهت تحکیم روابط خانوادگی، لازم است که برای ازدواج مجدد در زمان حاضر و با توجه به ویژگی‌های اجتماعی چنین قانونی به تسهیل امر، نظر نداشته باشد، بلکه شرایط سخت‌تر و محدودتری را منحصر به دلایل موجه و عقلایی نماید تا زمینه سوءاستفاده و گسترش مشکلات بیشتر برای زنان را فراهم ننماید. لازم است که اجازه ازدواج مجدد تنها به مردانی اعطا شود که علاوه بر تمکن مالی برای تجدید فراش دلیل شرعی مانند عدم امکان تمکین زن به واسطه بیماری‌های صعب‌العلاج یا لاعلاج داشته باشند. در مواردی که زن به‌طور موقت از تمکین عاجز است به نظر می‌رسد که ازدواج موقت راه‌حل مناسب‌تری بوده و ازدواج اول را نباید با قید دائمی بودن ازدواج دوم به مخاطره انداخت. به هر حال لازم است جهت مقابله منطقی با آثار و تبعات ازدواج موقت مانند امکان پیدایش فرزندان و یا جهت پیشگیری از ازدواج‌های احتمالی فرزندان حاصله بر اثر عدم اطلاع خویشاوندی نسبی، توصیه می‌شود که ثبت ازدواج موقت الزام قانونی پیدا کند تا مراجع قضائی و دولت قدرت کنترل و نظارت بر موارد و آثار شرعی چنین اقداماتی را پیدا نمایند.

ازدواج مجدد و موقت پدیده‌هایی هستند که خواه‌ناخواه در جامعه واقع شده و این وظیفه قانون‌گذار است که پدیده مذکور را تحت نظام در آورده و جهت نظام‌بخشی آن اقدام مقتضی نماید. در بسیاری موارد ازدواج‌های شرعی در خفا انجام گرفته و تنها پس از فوت و هنگام تقسیم اموال متوفی چنین حقایقی آشکار و معلوم می‌شود. تصویب لزوم اخذ مجوز از دادگاه به هنگام ازدواج مجدد باعث می‌شود که برخی مردان به اصطلاح «حرمت نگه داشته» و به جهت حفظ حیثیت و آبرو به چنین کاری مبادرت نورزند. هم‌چنین وجود زنانی که به دلایلی ممکن است از تمکین معذور بوده و یا مردانی که به دلایلی مجبورند مدت زمان طولانی از همسرشان دور باشند ضرورت تشریح چنین نهادی را روشن می‌کند.

عملکرد و موارد کاربرد ازدواج دائم و موقت متفاوت بوده و ازدواج دائم در مورد مردانی مصداق پیدا می‌کند که از تمکن مالی بهره‌مند بوده و یا قصد داشتن فرزند از همسر را دارند، در حالی که از آن‌جا که در ازدواج موقت تأمین نفقه عموماً بر عهده مرد نمی‌باشد مگر شرط شده باشد، ازدواج موقت مورد کاربرد مردانی است که تمکن مالی نداشته ولی بنا به دلایل جنسی یا عاطفی نیاز به ازدواج پیدا می‌کنند.

از آثار و تبعات منفی ازدواج مجدد تبعات فرهنگی آن است که در جامعه ما مورد پذیرش واقع نشده و رویکرد مثبتی نسبت به افرادی که به این امر مبادرت می‌ورزند وجود ندارد. بنابراین، علی‌رغم تشریح آن در فقه باید تابع ضرورت‌ها و اهداف راهبردی آن در اجتماع قرار گیرد، تا از طرفی دستاویز هوسرانی و شهوترانی مردان متمول قرار نگیرد و از طرف دیگر به‌طوری در جامعه شایع و رایج نشود که امنیت روانی خانواده‌ها را مختل نماید. بنابراین قانون‌گذار با رعایت ابعاد مختلف فکری، فرهنگی، اجتماعی باید با وضع قوانین دقیق و متناسب این پدیده را تحت کنترل درآورده و از سوءاستفاده در امان نگه دارد. وضع قوانین متناسب با شرایط شرعی و اجتماعی سبب می‌شود تا مصالح و نابسامانی‌های اجتماعی در خصوص ازدواج مرتفع شده و آثار و تبعات مالی و معنوی ازدواج را نظم و نسق ببخشند. در وضع قانون در مورد ازدواج مجدد باید به فلسفه وجودی آن در اسلام توجه نموده و با تلفیق آن اهداف با ضرورت‌های اجتماعی تشریح ازدواج مجدد قانونی متناسب با اوضاع و احوال کنونی وضع و ایجاد نمود.

نتیجه

با استناد به آیات و روایات، تشریح دینی اصل تعدد زوجات صورت گرفته، معهذا تأکیدات شارع مقدس بر اجرای عدالت، که به تصریح قرآن کریم از امور بسیار صعب و گاهی غیرممکن می‌باشد، تحقق تعدد زوجات در جوامع فعلی را به حداقل رسانده است. بنابراین، اصل بر تک‌همسری بوده و جوامع باید بهره‌گیری از اصل تعدد زوجات را به موارد ضروری مانند جنگ، مرگ و میرهای ناشی از حوادث و... در امور فردی تنها در مواردی که غرض عقلایی مانند نازائی زن، ابتلا به بیماری‌های لاعلاج یا صعب‌العلاج، برودت جنسی، و اموری از این قبیل وجود دارد، محدود نمایند. در مورد پسران جوان، وظیفه دولت است با ایجاد تسهیلات مانند اشتغال‌زایی، تهیه مسکن، و... توان و امکان ازدواج آنان را فراهم نماید تا بدین وسیله دختران جوان نیز از حق طبیعی ازدواج محروم نمانند. در جامعه‌ای با شرایط طبیعی، که همه جوانان امکان ازدواج پیدا می‌کنند، ممکن است زنان بسیار کمی، مانند زنان شوهر مرده یا مطلقه، بدون شوهر بمانند، که این‌ها مسلماً نباید از حق طبیعی داشتن زندگی خانوادگی محروم شوند. در صورتی که جامعه، به صورت واقعی، بر اساس تحقیقات و آمار معتبر، وجود زنانی را مستند نماید که مجبورند جهت برخورداری از حق تأهل، به ازدواج مردان متأهل در آیند، قانون‌گذار باید مردان را مکلف نماید با اثبات شرایطی مانند توانایی مالی در تأمین بیش از یک زوجه، شهرت اجتماعی به عدالت، داشتن غرض عقلایی بر ازدواج مجدد در رابطه با همسر قبلی، و اموری از این قبیل، با مراجعه به دادگاه مجوز اخذ نمایند. کنترل قضائی تعدد زوجات و صعب نمودن امر ازدواج مجدد، در عین حال که کلاً راه را بر تعدد زوجات نمی‌بندد، و آن را در موارد ضرورت تجویز می‌کند، از سوءاستفاده مردان فاقد شرایط جلوگیری نموده و از این‌که تعدد

زوجات وسیله‌ای برای شهوترانی و بوالهوسی مردان قرار گیرد، ممانعت می‌نماید. بدین وسیله امر عقلایی تعدد زوجات لوث نشده، ازدواج که حق طبیعی همه دختران، پسران، زنان و مردان است حاصل شده، حرمت و قداست، امنیت و سلامت خانوادگی افراد محفوظ می‌ماند.

منابع

الف) منابع فارسی:

قرآن کریم

- الباجوری، جمال محمود، ۱۴۰۶ ق، المراه فی الفكر الاسلامی، عراق، الامانه العامه للثقافه و الشباب
الجمال، ابراهیم محمود حسن، تعدد الزوجات فی الاسلام، مصر، دار الاعتصام
الحر العاملی، شیخ محمد بن حسن، ۱۱۰۴ ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۰، چاپ ۱۳۷۴ ش، قم
الزحیلی، وهبه، ۱۴۰۹ ق، الفقه الاسلامی و ادلته، بیروت، دار الفکر، ج ۳
الطباطبائی الحکیم، سید محسن، ۱۴۰۴ ق، مستمسک العروه الوثقی، قم، منشورات مکتبه آیه ... المرعشی، ج ۱
الطباطبائی، سید حسین، ۱۳۹۱ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی، ج ۲
الطباطبائی البزدی، محمد کاظم، ۱۴۱۴ ق، العروه الوثقی، قم، اسماعیلیان، ج ۲
الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، م ۴۶۰، تهذیب الاحکام، بیروت، دار صعب و دار التعارف
الفیض الکاشانی، محمد محسن، م ۱۰۹۱، تفسیر الصافی، بیروت، موسسه الاعلمی
القمی، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، م ۳۸۱، من لایحضره الفقیه، بیروت، دار صعب و دار التعارف
الکلینی، محمد بن یعقوب، م ۳۲۹، الکافی، بیروت، دار صعب، دار التعارف للمطبوعات، ج ۲، ۱۴۰۱ ق
النجفی، محمد حسن، م ۱۲۶۶، جواهر الکلام، بیروت، دار الحیاء، ج ۷
الهندی، علاء الدین، ۱۴۱۳ ق، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله

ب) منابع عربی:

- رضایی، محبوبه، (۱۳۵۷)، حریت و حقوق زن در اسلام، انتشارات میلاد
علاسوند، فریبا، (۱۳۸۵)، زنان در موازنه حق و تکلیف، انتشارات بیطرفان، ج ۱
علامه طباطبائی، سید حسین، (سال انتشار ندارد)، «تعدد زوجات و مقام زن در اسلام»، انتشارات آزادی
غفاری، محمد علی، آزادی ثمره آگاهی است، تهران، انتشارات برهان
مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، ج ۸
مهریزی، مهدی، (۱۳۸۶)، «شخصیت و حقوق زن در اسلام»، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
ویل دورانت، (۱۴۶۷) ش، تاریخ تمدن، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج ۲